

بازنمایی نامه‌های حکومتی امام علی علیه السلام

به کارگزاران و فرماندهان

محمدتقی سازندگی^۱

چکیده

برخی از نامه‌های امام علی علیه السلام از نوع مکاتبات اداری و سازمانی بوده است و اصول مدیریت مملکت را در خود جای داده‌اند. امیر مؤمنان علیه السلام در همان روزهای نخست حکومتی، اقدام به تجدید ساختار مدیریتی کرد و کارگزاران پیشین را که نوعاً از میان بنی‌امیه و هواداران آنان بودند، تغییر داد.

پژوهش حاضر، به دنبال بررسی این مسئله است که دستورعمل‌ها و فرمان‌های امام علی علیه السلام به کارگزاران حکومت اسلامی، دارای چه ساختار و معیاری است؟ و به‌طور کلی، روش برخورد امام علیه السلام با کارگزاران چگونه بوده است؟

از این رو، هدف از این مقاله بررسی فرمان‌ها و دستورهای امام علی علیه السلام در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به کارگزاران حکومت است تا از رهنمودهای امام علیه السلام آگاهی یابیم و الگو بگیریم و در ابعاد مختلف زندگی امروزی به کار بندیم.

در این مقاله، با بهره‌گیری از روش توصیف و تحلیل و بر اساس منابع کتابخانه‌ای، تلاش شده است، ابعاد گوناگون فرمان‌های امام علیه السلام در نامه‌های خود به کارگزارانش را استخراج کنیم. یکی از نتایج و دستاوردهای این پژوهش، معیارها و ملاک‌هایی است که در نامه‌های

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه پیام نور قم: Mt.sazandegi92@Gmail.com
تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۱۸

حضرت علی علیه السلام جهت مدیریت جامعه اسلامی و نیز روش برخورد با کارگزاران صالح و ناصالح بیان شده است.

بررسی نامه‌های امام علی علیه السلام در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به کارگزاران حکومت و ضرورت الگوبرداری در جوامع امروزی، یکی از جنبه‌های نوآوری این مقاله شمرده می‌شود.

کلیدواژگان

امام علی علیه السلام، حکومت، فرماندهان، فرمان‌ها، کارگزاران، مدیریت، نامه‌ها..

طرح مسئله

امام علی علیه السلام، جایگاه ویژه کارگزاران حکومتی در جامعه را مانند رشته تسبیح برای دانه‌های آن دانسته که بهره‌گیری از دانه‌ها بدون آن امکان‌پذیر نمی‌باشد: «مَكَانُ الْقَيْمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ يَجْمَعُهُ وَ يَضْمُهُ فَإِنْ انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَرْزُ وَ ذَهَبَ، ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَذَا فِيرَهُ أَبَدًا» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶). بدین‌رو، اهتمام ویژه‌ای نسبت انتصاب کارگزاران و فرماندهان کارآمد و لایق داشتند؛ چراکه هیچ حکومتی بدون توجه به نقش کارگزاران صالح و مدیر، توانایی رسیدن به اهداف عالی را ندارد. بنابراین، لازم است که رهبر جامعه، نظارت کافی و وافی بر منصوبان خود را داشته باشد؛ زیرا اختیارات اجرایی حکومت، از آن رهبری است و بی‌تردید، باید پاسخگویی عملکرد منصوبان خویش نیز باشد.

فرمان‌ها و دستورهای امام علی علیه السلام به کارگزاران حکومتی، یکی از موارد قابل تأمل در سیره حکومتی ایشان است. امام علیه السلام بعد از انتخاب و گزینش، به شیوه‌های مختلف از جمله نظارت و توصیه‌ها و دستورعمل‌های حکومتی، با ارسال نامه‌هایی، تلاش می‌نمود که آنان را از انحراف باز دارد و در بعضی از مواقع، بخش‌نامه‌هایی در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، به کارگزاران خود صادر می‌کرد. می‌توان گفت یکی از سیاست‌های امام علی علیه السلام از اوایل شروع حکومتش (۳۵-۴۰ هـ.ق)، توصیه‌ها و صدور دستورعمل‌ها به کارگزارانش و نیز مبارزه با فساد و کارگزاران ناصالح در دستگاه حکومت اسلامی بود.

در این مقاله، نامه‌های امام علی علیه السلام را با موضوعات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی به کارگزارانش بررسی نموده و دستورعمل‌ها و فرمان‌هایی را که نوع نگرش و سیره امام علیه السلام در

مدیریت جامعه اسلامی را مشخص می‌کند، واکاوی می‌کنیم.

در این مسیر، سعی شده است نامه‌های امیرمؤمنان را به غیر از عهدنامه «مالک اشتر» (نامه ۵۳) بررسی کنیم. این عهدنامه، از مهم‌ترین و طولانی‌ترین عهدنامه‌های امام علیه السلام است و رویکرد مترقی امیرمؤمنان علیه السلام را در مورد حکومت در عصر جاهلیت و ویژگی‌های حکومت اسلامی، رابطه حکومت با مردم و حقوق شهروندان و مسائلی از این دست، بیان کرده است که وصف و بررسی آن، در این مقاله نمی‌گنجد؛ ولیکن در این پژوهش، فرمان‌ها و دستورعمل‌های امام علی علیه السلام را در نامه‌های دیگر مورد بررسی قرار داده‌ایم.

دوران حکومت امام علی علیه السلام، مجموعه ارزشمندی از سبک زندگی اسلامی در زمینه‌های گوناگون را در خود جای داده است و این امر، پژوهش‌های متعددی را در زمینه دوران حکومت امیرمؤمنان علیه السلام به خود اختصاص داده است. در این پژوهش، سعی شده است که نامه‌های امام علیه السلام را که به کارگزارانش در مدت حکومت‌داری ارسال نموده، مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم. از این رو، در ادامه به پژوهش‌هایی که مستقیماً با موضوع این مقاله ارتباط دارند، اشاره می‌شود:

- کتاب «مدیریت و نظام اداری از دیدگاه امام علی علیه السلام»^۱ اثر محسن باقر الموسوی، در چهار فصل نوشته شده است که عبارت‌اند از: فصل اول: مفهوم و ویژگی‌های مدیریت؛ فصل دوم: ویژگی‌ها و وظایف مدیر؛ فصل سوم: سازمان‌های اداری در روزگار امام علی علیه السلام؛ فصل چهارم: اندیشه مدیریتی امام علی علیه السلام و اندیشه مدیریتی کلاسیک و معاصر ارزیابی و مقایسه.

- کتاب «تحلیلی از مدیریت اسلامی در پنج سال رهبری امام علی علیه السلام»^۲ نوشته غلامرضا اشرف سممانی. این اثر، شامل بررسی و تحلیل گونه‌ای از مدیریت اسلامی در دوره کوتاه ۵ سال رهبری امام علی علیه السلام است که نویسنده تلاش کرده آن را به‌عنوان یک الگوی حکومتی ارائه نماید.

- مقاله «امام علی علیه السلام کارگزاران حکومت و راهکارهای اصلاحات»^۳ نوشته جهانبخش ثواقب. در این مقاله آمده است که یکی از اصول مدیریتی امام علی علیه السلام، انتخاب کارگزاران و

^۱ این کتاب، نوشته محسن باقر موسوی، با ترجمه سیدحسین سیدی، توسط انتشارات به‌نشر مشهد در سال ۱۳۸۱ به چاپ رسیده است.

^۲ این اثر، تألیف غلامرضا اشرف سممانی به وسیله انتشارات بعثت در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده است.

^۳ این مقاله، در فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، شماره ۲۲، در سال ۱۳۸۰ چاپ شده است.

مدیران دولتی بر اساس معیارهای صلاحیتی و ارزشی است.

— مقاله «نقش اصلاح ساختارهای مدیریت در عملکرد مطلوب کارگزاران از منظر نهج البلاغه»^۱ نوشته مجید معارف و میثم کهن ترابی. نویسندگان در مقاله یادشده، به این نتیجه دست یافته‌اند که صلاحیت و شایستگی کارگزاران برای موفقیت یک حکومت، شرط لازم است؛ اما کافی نیست و حکومت باید از ساختار صحیحی برخوردار باشد.

همچنین، کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری موجود است که هریک مطالب ارزشمندی را در خود جای داده است و می‌تواند به این موضوع نزدیک باشد؛ اما پژوهشی مستقل که نامه‌های امیرمؤمنان علیه السلام در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به کارگزاران را بررسی کرده باشد، کمتر مورد ملاحظه واقع شده است و بیشتر حاوی مطالب کلی است که نامه‌های امام علی علیه السلام را بررسی نموده‌اند. بدین‌رو، پژوهش حاضر از این جهت جدید است که فرمان‌ها و توصیه‌ها و رهنمودهای امیرمؤمنان علیه السلام در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را در قالبی نو و جدید بررسی می‌کند و چشم‌انداز جدیدی را پیش‌روی خوانندگان ارائه می‌دهد.

بررسی و تبیین فرمان‌ها و دستورهای امام علی علیه السلام، در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به کارگزاران حکومت، جهت معرفی، الگوبرداری و به‌کارگیری در مدیریت حکومت‌ها در جوامع امروزی، یکی از اهداف این تحقیق است.

این نوشتار، یک پژوهش مروری با تکیه برنامه‌های صادرشده از سوی امیرمؤمنان علیه السلام به کارگزاران حکومتی در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است و تلاش شده به منابع دسته‌اول مراجعه گردد و از کتاب‌های روایی و تاریخی، فرمان‌ها، توصیه‌ها، راهنمایی‌ها و دستورعمل‌های امام علیه السلام به کارگزاران و مسئولان و مدیران در نامه‌های ایشان را کشف کنیم.

روشن است که چنین تحقیقی با روش توصیف و تحلیل و مبتنی بر منابع از جمله «نهج البلاغه» و منابع تاریخ خلافت امام علیه السلام، پیش می‌رود؛ با این فرضیه که امام علیه السلام در نامه‌های ارسالی به کارگزاران، خط مشی و نوع رفتار اسلامی را با روش فرمان، دستور و راهنمایی، آنان را به لغزش‌هایی که در طریق قدرت وجود دارد، آگاه می‌سازد.

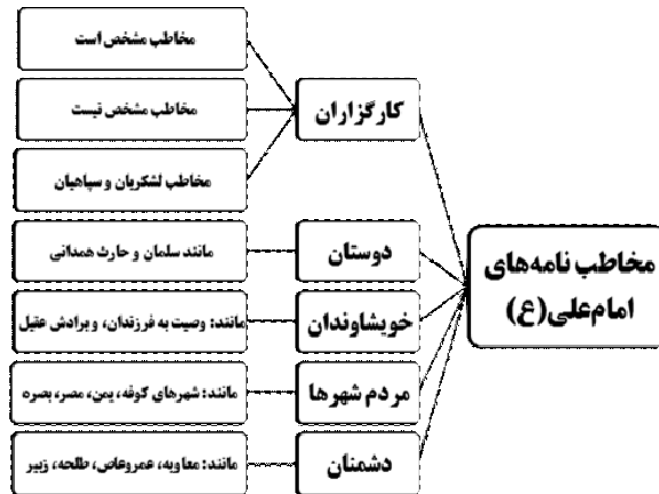
^۱ این مقاله، در فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های نهج البلاغه در شماره ۴۷، زمستان ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است.

مقدمه

در فرهنگ حکومتی، دو واژه «عمال» یا «کارگزار»، به کسی می‌گویند که اداره کردن امور بخشی از مال، ملک و کار را به عهده گیرد و متولی آن باشد و به عنوان نماینده‌ی حاکم اسلامی، دارای مسئولیت‌هایی از طرف وی در زمینه‌ی‌های: فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی است. از این رو، باید امین حاکم اسلامی و مورد اطمینان وی باشد.

امام علی علیه السلام در همان روزهای نخست حکومتی، اقدام به تجدید ساختار مدیریتی کرد و کارگزاران پیشین را که نوعاً از میان بنی‌امیه و هواداران آنان بودند، تغییر داد. یکی از برنامه‌های اصلاحی امیرمؤمنان علیه السلام، گزینش و انتخاب نیروهای شایسته، کارآمد و صالح در مصادر امور حکومت بود؛ چراکه استقرار و دوام حکومت، به‌ویژه با شاخصه‌های دینداری و عدالت، بدون کارگزاران شایسته عملی نخواهد بود. بنابراین، یکی از مقوله‌های مهم و مورد توجه جدی امام علیه السلام، کارگزاران و مسئولان حکومت بود. چگونگی گزینش و انتخاب کارگزاران در مناصب گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی، آشنا نمودن آنان با دستورعمل‌های مدیریتی، شیوه زمامداری و رفتار با مردم، و نظارت بر عملکرد و مدیریت آنان به منظور حسن اجرای امور که به تأمین امنیت جامعه، رضایت عمومی مردم، استحکام و ثبات حکومت منجر گردد، از مسائلی است که امام علیه السلام در نامه‌های خویش به کارگزاران بدان‌ها پرداخته است.

امیرمؤمنان علیه السلام با طرح مبانی نظری سعی داشت تا نمونه و الگویی از نظام مدیریت اسلامی را در زمان خویش اجرا نماید و برای آینده مسلمانان نیز معیارهای لازم و اصول کلی در سه شاخصه مهم: «دینداری»، «عدالت» و «مردمداری» را ارائه دهد که تحقق عینی و عملی این شاخصه‌ها در جامعه، به وجود کارگزاران صالح و شایسته بستگی دارد.



نمودار (۱): مخاطب نامه‌های امام علی علیه السلام

در این پژوهش، نامه‌های امام علی علیه السلام به کارگزارانش را که حاوی دستورعمل‌ها و فرمان‌ها و توصیه‌های حکومتی و رهنمودهای مدیریتی و سیاست‌های نظارتی در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. سلوک فرهنگی کارگزاران

حضرت علی علیه السلام در طول خلافت خود، کوشش زیادی را برای نهادینه کردن فرهنگ اسلامی و تربیت اخلاقی مردم آغاز نمود و در بُعد فرهنگی، با دستورها و توصیه‌هایی به کارگزاران خویش، جهت اصلاح سبک زندگی و عمل صالح و خودسازی، آنها را تشویق می‌نمود. در اینجا به برخی از معیارهای فرهنگی که امام علی علیه السلام در نامه‌هایش به آن تأکید داشته است، اشاره می‌شود.

۱-۱. خدامحوری

امام علی علیه السلام در گفتار، رفتار و کردارش، به عظمت خدا توجه داشت و در اوج اقتدار و اخلاص، خدامحور بود؛ به طوری که این ویژگی را در جنگ خندق به خوبی نشان داد. حضرت علیه السلام در نامه‌ای به «محمد بن ابی بکر» که فرماندار مصر بود، توصیه می‌کند همیشه و در همه جا خدا را مدنظر قرار دهد:

«خدا را در راضی نگهداشتن مردم به خشم نیاور؛ زیرا خشنودی خدا جایگزین هر چیزی بوده؛ اما هیچ چیز جایگزین خشنودی خدا نمی‌شود. نماز را در وقت خودش به جای آر؛ نه اینکه در بیکاری، زودتر از وقتش بخوانی و به هنگام درگیری و کار، آن را تأخیر بیندازی و بدان که تمام کردار خوبت، در گرو نماز است» (دستی، ۱۳۷۸ش: ۵۱۲، نامه ۲۷).

توجه به عظمت خداوند، در سخنان امام علیه السلام فراوان به مشاهده می‌شود؛ امام علیه السلام کارگزار خود را به ترس از خدا فرامی‌خواند و اینکه اطاعت خداوند را بر دیگر کارها مقدم دارد و از آنچه در کتاب خدا آمده، از واجبات و سنت‌ها، پیروی کند؛ دستوراتی که آدمی جز با پیروی از آنها رستگار نخواهد شد و جز با نشناختن و ضایع کردن آنها جنایت کار نخواهد گردید. آن حضرت، به کارگزارش فرمان می‌دهد که به اجرای دستورات شرعی همچون نماز در اول وقت، و نیز یاری رساندن به خدا با دل و دست و زبان همت گمارد؛ چراکه خداوند پیروزی کسی را تضمین می‌کند که او را یاری دهد و آن که او را بزرگ شمارد، بزرگ می‌دارد و به او فرمان می‌دهد تا نفس خود را از پیروی آرزوها باز دارد و هنگام سرکشی، رام کند که «نفس همواره به بدی وا می‌دارد؛ جز آن که را خدا رحمت آورد (یوسف: ۵۳)».

۱-۲. احیای سنت پیامبر صلی الله علیه و آله

وفاداری به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله، یکی از سیاست‌های اصلاحی فرهنگی امیرمؤمنان علیه السلام است که در نامه‌های خود، عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را تأکید می‌کند و تبیین دین رسول خدا صلی الله علیه و آله را در رأس اقدامات اصلاحی خود قرار می‌دهد و می‌کوشد با مطرح کردن سنت نبوی صلی الله علیه و آله و احیای اصول و فروع فراموش شده دین، جامعه را به سوی اصلاح هدایت نماید. حضرت در ضرورت احیای سنت پیامبر صلی الله علیه و آله، هنگام شهادت چنین وصیت می‌کند:

«سفارش من به شما آن است که به خدا شرک نوزید و سنت محمد صلی الله علیه و آله را تباہ نکنید. این دو ستون دین را بر پا دارید و این دو چراغ را روشن نگهدارید؛ آنگاه سزاوار هیچ سرزنشی نخواهید بود» (همان: ۵۰۳-۵۰۴، نامه ۲۳).

۱-۳. اعتدال‌گرایی و میانه‌روی

یکی از مسائل مورد توجه در نامه‌های حضرت علیه السلام به کارگزاران، اعتدال و میانه‌روی در همه مسائل زندگی است. حضرت علیه السلام افراط و تفریط را در هیچ امری مقبول نمی‌داند و گرایش به

هرکدام را مایه انحراف از حق و حقیقت می‌داند. امام علی علیه السلام در نامه‌ای به فرماندار مصر^۱، در مورد اعتدال‌گرایی زاهدان و دنیاگرایی می‌نویسد:

«پرهیزکاران، از دنیای زودگذر به سلامت گذشتند و آخرت جاودانه را گرفتند. با مردم دنیا در دنیاشان شریک گشتند؛ اما مردم دنیا در آخرت آنها شرکت نکردند. پرهیزکاران، در بهترین خانه‌های دنیا سکونت کردند و بهترین خوراک‌های دنیا را خوردند و همان لذت‌هایی را چشیدند که دنیاداران چشیده بودند و از دنیا بهره گرفتند؛ آن‌گونه که سرکشان و متکبران دنیا بهره‌مند بودند. سپس، از این جهان با زاد و توشه فراوان و تجارتی پُرسود، به سوی آخرت شتافتند» (دشتی، ۱۳۷۸ش: ۵۱۱، نامه ۲۷).

امام علیه السلام در نامه‌ای دیگر می‌فرماید:

«اسراف را کنار بگذار و میانه‌روی را برگزین. از امروز به فکر فردا باش، و از اموال دنیا به اندازه کفاف خویش نگهدار، و زیادی را برای روز نیازمندیت در آخرت پیش فرست» (همان، ۵۰۲، نامه ۲۱).

امام علی علیه السلام در تبیین اخلاق مدیریت و شیوه‌های برخورد کارگزاران با مردم، عالی‌ترین رهنمود را دارند تا کارگزاران بتوانند مردم را جذب کرده و رابطه صادقانه‌ای با مردم داشته باشند. امام علیه السلام همواره اعتدال‌گرایی و میانه‌روی در مدیریت را به کارگزارانش توصیه می‌کرد و خطاب به یکی از فرمانداران خود به نام «عمر بن ابی سلمه ارحبی» که حاکم «فارس» در ایران بود، به او در خصوص بدرفتاری‌اش با مردم هشدار داد و نوشت:

«با آنها رفتاری توأم با شدت و نرمش داشته باش، اعتدال و میانه‌روی را در نزدیک کردن یا دور کردن، رعایت کن» (همان: ۵۰۰، نامه ۱۹).

۱-۴. شکیبایی و بردباری

در نظام مدیریتی امام علی علیه السلام، کارگزار باید بردبار و صبور باشد و با شکیبایی امور مملکتی را پیش ببرد و در برابر خواست مردم و احتیاجات آنان کم‌حوصلگی نداشته باشد و با تحمل فراوان خدمتگزار باشد. طبق فرمایش امام علیه السلام، کارگزار باید اندوه را از خود دور کند: «اندوه‌ها را با صبری استوار و یقینی نیکو، از خود دور کن» (همان: نامه ۳۱). حضرت به کارگزار خویش توصیه می‌کند که در دور کردن اندوه، از خداوند استعانت بطلب: «بر آنچه تو را اندوهگین

^۱ حضرت، نامه به «محمد بن ابی‌بکر»، فرماندار مصر، هنگامی که او را در آغاز سال ۳۷ هجری به سوی مصر فرستاد.

می‌کند، از خدا کمک بخواه» (همان: نامه ۴۶). همچنین، می‌فرماید در راه حق صبر و شکیبایی پیشه نماید: «خویشتن را به صبوری در برابر ناخوشایندها عادت ده، و چه نیکو خصلتی است صبوری کردن در راه حق» (همان: نامه ۳۱). حضرت علیه السلام در دستورعمل‌های مدیریتی و حکومتی خود، کارگزاران را به چنین بردباری‌ای فراخوانده است:

«در روابط خود با مردم، انصاف داشته باشید و در بر آوردن نیازهایشان شکیبا باشید. همانا شما خزانه‌داران مردم و نمایندگان ملت و سفیران پیشوایان هستید. هرگز کسی را از نیامندی او باز ندارید و از خواسته‌های مشروعش محروم نسازید» (همان: ۵۶۵، نامه ۵۱).

شکیبایی و شرح صدر، بی‌حوصلگی و بی‌صبوری را که سبب خرابی کارهاست، از روح انسان می‌زداید و در عوض، گشادگی و بلندفکری را به ارمغان می‌آورد. این خصیصه برای کارگزاران، ابزار مدیریت و ریاست است: «أَلَّةُ الرِّيَاسَةِ سَعَةُ الصَّدْرِ؛ سعه صدر، ابزار ریاست است» (همان: حکمت ۱۷۶).

۱-۵. تواضع و فروتنی

تواضع و فروتنی، از خصلت‌های پسندیده در هر انسانی است؛ اما ممکن است کسانی در اثر به دست آوردن مقام و موقعیت مغرور گردند و از حالت تواضع و فروتنی خارج شوند. در برخی نامه‌های امام علی علیه السلام به کارگزارانش، از تواضع و فروتنی با تعبیر زیبای «خفض جناح» یاد شده است؛ تعبیری که در کلام خداوند در مورد تواضع برای والدین^۱ آمده است. در بیانات حضرت علیه السلام تأکید خاصی بر اقشار پایین و ضعیف جامعه وجود دارد. حضرت در نامه‌ای به «مالک اشتر» می‌فرماید:

«در آنجا که مدارا کردن بهتر است، مدارا کن و در جایی که جز با درشتی کار انجام نگیرد، درشتی کن. پَر و بالت را برابر رعیت بگستران، با مردم گشاده‌روی و فروتن باش» (همان: ۵۵۹، نامه ۴۶).

۱-۶. عطف و دلجویی

در حکومت امام علی علیه السلام، برخی از کارگزاران مغرور و خودپسند، با تخطی از سیاست‌های

^۱ آیه: «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِی صَغِيرًا؛ و از سر مهربانی، بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو: پروردگارا، آن دو را رحمت کن؛ چنان‌که مرا در خردی پروردند.» (اسراء: ۱۷). (۲۴)

امیرمؤمنان علیه السلام، گاهی به قدری خلاف و کج روی هایشان بالا می‌گرفت که به هیچ وجه حاضر نبودند با نصایح و تهدید آن حضرت، دست از خلافشان بردارند و طبق مصالح امت اسلامی عمل کنند. حضرت علیه السلام در این موارد، با کمال قدرت وارد عمل می‌شد و با صدور حکمی عزل او را (یا در محل کار خود و یا پس از احضار به مرکز) صادر می‌نمود. عزل برخی از کارگزاران نیز به جهت مصالح حکومتی و سیاست‌های امام علیه السلام در آن منطقه انجام می‌شد که حضرت علیه السلام از آنان دلجویی می‌نمودند که در ذیل، به نمونه‌ای اشاره می‌شود. حضرت طی نامه‌ای به «محمد بن ابی‌بکر»، پس از عزل وی از فرمانداری مصر می‌نویسد:

«به من خبر داده‌اند که از فرستادن اشتر به سوی محل فرمانداری‌ات، ناراحت شده‌ای. این کار را به دلیل کند شدن و سهل‌انگاری‌ات یا انتظار کوشش بیشتری از تو انجام ندادم؛ اگر تو را از فرمانداری مصر عزل کردم، فرماندار جایی قرار دادم که اداره آنجا بر تو آسان‌تر، و حکومت تو در آن سامان خوش‌تر است» (همان: ۵۴۱، نامه ۳۴).

در جایی دیگر، در نامه‌ای به «عمر بن ابی‌سلمه مخزومی»، فرماندار بحرین، پس از نصب «نعمان بن عجلان زرقی» این‌گونه می‌نویسد:

«به راستی تاکنون زمامداری را به نیکی انجام دادی و امانت را پرداختی. پس، به سوی ما حرکت کن؛ بی‌آنکه مورد سوء ظن قرار گرفته یا سرزنش شده یا متهم بوده و یا گناهکار باشی» (همان: ۵۵۲، نامه ۴۲).

امیرمؤمنان علیه السلام با به‌کارگیری قاطعیت به همراه مهربانی و عطف و دلجویی در کنار هم، سعی در استحکام و تداوم حکومت دارد.

۱-۷. آخرت‌گرایی

آخرت‌گرایی برای کارگزاران، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه در جلوگیری از ریاست‌طلبی و انحرافات اداری و مالی، نقش بسزایی دارد. حضرت علیه السلام در نامه‌ای به فرماندار بصره^۱ می‌نویسد:

«خوشحالی تو از چیزی باشد که در آخرت برای تو مفید است و اندوه تو برای از دست دادن چیزی از آخرت باشد. آنچه از دنیا به دست می‌آوری، تو را خوشنود نسازد. برای آنچه در دنیا از

^۱. نامه به «ابن عباس»، فرماندار بصره، در سال ۳۶ هجری که گفت: «پس از سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله، هیچ سخنی را همانند این نامه سودمند نیافتیم.»

دست می‌دهی، زاری کنان تأسف مخور و همت خویش را به دنیا پس از مرگ واگذار» (همان: ۵۰۳، نامه ۲۲).

امام علی علیه السلام در ضرورت یاد مرگ می‌فرماید:

«از مرگ و نزدیک بودنش بترسید و آمادگی‌های لازم را برای مرگ فراهم کنید. مرگ، از سایه شما به شما نزدیک‌تر است. نشانه مرگ، بر پیشانی شما زده شد. دنیا پشت سر شما در حال درهم پیچیده شدن است. پس، بترسید از آتشی که ژرفای آن زیاد، و حرارتش شدید، و عذابش نوبه‌نو وارد می‌شود» (همان: ۵۱۲، نامه ۲۷).

۲. سلوک اجتماعی کارگزاران

امیرمؤمنان علیه السلام، راهبردها و معیارهایی برای زندگی اجتماعی در نظر داشتند؛ از جمله: عدالت، امانت‌داری، تعاون، صداقت، وفای به عهد، مردمی بودن و ساده‌زیستی. در این بخش، چند مورد بررسی می‌شود:

۲-۱. ارتباط مستقیم با مردم

امیرمؤمنان علیه السلام، با مردم ارتباط مستقیم داشت و نه تنها نماز جمعه و جماعت را با مردم می‌خواند، بلکه در بازارها راه می‌رفت و با آنان سخن می‌گفت و نیز به کارگزاران خویش توصیه می‌کرد که ارتباط با مردم را فراموش نکنند و زمانی را به این کار اختصاص دهند. امام در نامه‌ای به کارگزار خود در مکه چنین می‌نویسد:

«جز زبانت، چیز دیگری پیام‌رسانت با مردم، و جز چهره‌ات، دربانی وجود نداشته باشد و هیچ نیازمندی را از دیدار خود محروم نگردان؛ زیرا اگر در آغاز از درگاه تو رانده شود، گرچه در پایان حاجت او برآورده شود، دیگر تو را نستاید» (همان: ۶۰۹، نامه ۶۷).

۲-۲. تأسیس مرکز پی‌گیری مشکلات

با توجه به اینکه حضرت در پی رفع مشکلات جامعه و مردم بود، به کارگزاران خویش نیز توصیه می‌نمود که به مشکلات مردم رسیدگی کنند. بر اساس شواهد تاریخی، امیرمؤمنان علیه السلام اولین شخصی بود که مرکزی را برای پی‌گیری مطالبات و مشکلات مردم تأسیس نمود. مردم نامه‌های خود را به آنجا ارائه می‌کردند و با این شیوه، به مظالم مردم رسیدگی می‌نمود. تأسیس این مرکز، یکی از ابتکارهای امام علیه السلام بود و قبل از ایشان در تاریخ اسلام سابقه نداشته است.

(مقریزی، بی تا: ج ۲: ۲۰۷).

امام علیه السلام در نامه‌ای، نه تنها سفارش به جلوگیری از ظلم به مردم می‌نماید، بلکه درخواست می‌نماید تا اگر شکایتی دارند، به او برسانند:

«شکایت‌های خود را به من رسانید و در اموری که لشکریان بر شما چیره شده‌اند که قدرت رفع آن را جز با کمک خداوند ندارید، به من مراجعه کنید که با کمک خداوند، آن را برطرف خواهم کرد» (دشتی، ۱۳۷۸ ش: ۶۰۰، نامه ۵۹).

۲-۳. رفق و مدارا

کارگزاران می‌توانند با نرمی و ملایمت و مدارا، فاصله میان خود و کارکنان را بردارند و در اعماق دل آنها نفوذ کنند؛ رفق و مدارا و محبت به مردم، سبب پایداری مقام و موقعیت کارگزاران می‌شود. در سیره اجتماعی امام علی علیه السلام، مهر و محبت به مردم، یک وظیفه دینی شمرده شده است. حضرت علیه السلام در نامه‌ای به فرماندار بصره، روش برخورد با مردم را این گونه تبیین می‌کند:

«با مردم به نیکی رفتار کن و گره وحشت را از دل‌های آنان بگشای. بد رفتاری تو را با قبيله «بنی تمیم»^۱ و خشونت با آنها را به من گزارش دادند. همانا آنها با ما پیوند خویشاوندی و قرابت و نزدیکی دارند که صله رحم و پیوند با آنان، پاداش دارد و گسستن پیوند با آنان، کیفر الهی را در پی دارد. پس، مدارا کن» (همان: ۵۰۰، نامه ۱۸).

۲-۴. گشاده‌رویی

گشاده‌رویی کارگزاران با مردم، موجب برقراری صلح و دوستی و محبت می‌شود. کارگزاران باید در برخوردها گشاده‌روی باشند، تا جو دوستی و همدلی در میان مردم برقرار شود. امام علیه السلام در نامه‌ای به کارگزار خود می‌فرماید:

«پَر و بالت را برابر رعیت بگستران، با مردم گشاده‌روی و فروتن باش، و در نگاه و اشاره چشم، در سلام کردن و اشاره نمودن با همگان یکسان باش، تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند و

^۱ قبيله بنی تمیم، از بزرگ‌ترین قبایل مشهور عرب و از اعراب عدنانی می‌باشند. آنها از ذریه «تمیم» و از نوادگان «معدین عدنان» هستند که در اکثر بلاد اسلامی منتشرند و به گروه‌های شیعه و سنی تقسیم می‌شوند. در میان قبایل متعدد عرب، بنی تمیم از جهات گوناگون اهمیت پیدا کرده است؛ از جمله: کثرت جمعیت، تعدد تیره‌ها، فزونی جنگ‌ها، شگردهای جنگی، گستره جغرافیایی، ویژگی‌های زبانی و گرایش‌های مذهبی. (ر.ک: دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «بنی تمیم»، شماره ۳۸۹۲)

ناتوانان از عدالت تو مأیوس نگردند» (همان: ۵۶۰، نامه ۴۶).

۲-۵. ساده‌زیستی

کارگزاری که قدرت و بیت‌المال را در اختیار دارد، زهدش بالرش و سازنده است. انسان زاهد می‌تواند با زندگی ساده برای دیگران الگو باشد. حضرت علی علیه السلام با اینکه در رأس حکومت بود، زندگی زاهدانه‌ای داشت و هدایایی را که برایش می‌آوردند، به مردم می‌داد و می‌گفت: «من از دنیای شما، به دو جامه و دو قرص نان بسنده کردم؛ درحالی‌که می‌توانستم غذای خود را از عسل مصفا و مغز گندم قرار دهم و از پارچه ابریشم استفاده کنم» (همان: نامه ۴۵). آن حضرت، هیچ‌گاه زهد را به معنای ترک زندگی و گوشه‌نشینی نمی‌دانست.

امام علی علیه السلام، در نامه‌ای به فرماندار بصره، «عثمان بن حنیف انصاری» که دعوت مهمانی سرمایه‌داری از مردم بصره را پذیرفت، در زمینه ساده‌زیستی می‌فرماید:

«آگاه باش! امام شما، از دنیای خود به دو جامه فرسوده، و دو قرص نان رضایت داده است. بدانید که شما توانایی چنین کاری را ندارید؛ اما با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی، مرا یاری دهید. پس، سوگند به خدا! من از دنیای شما طلا و نقره‌ای نیندوخته‌ام و از غنیمت‌های آن، چیزی ذخیره نکرده‌ام و بر دو جامه کهنه‌ام جامه‌ای نیفزودم و از زمین دنیا، حتی یک وجب در اختیار نگرفتم و دنیای شما در چشم من، از دانه تلخ درخت بلوط ناچیزتر است» (همان: ۵۵۵، نامه ۴۵).

۲-۶. عدالت

در سیره اجتماعی امام علی علیه السلام، «عدالت»، مهم‌ترین اصل است و زیربنای همه امور اجتماعی و بلکه آفرینش را تشکیل می‌دهد. امام علی علیه السلام در نامه‌ای به یکی از کارگزاران خود، در مورد عدالت اجتماعی می‌نویسد:

«در برابر رعیت، فروتن باش و آنان را باگشاده‌رویی و نرم‌خویی بپذیر و با همگان، یکسان رفتار کن؛ گاهی که گوشه چشم به آنان افکنی، یا خیره‌شان نگاه کنی، یا یکی را به اشارت خوانی، یا به یکی تحیتی رسانی؛ تا بزرگان در تو طمع ستم بر ناتوان نبندند و ناتوان از عدالت، مأیوس نگردد» (همان: ۵۱۱، نامه ۲۷).

با دقت در نامه حضرت علی علیه السلام، حتی در گردش چشم و نگاه و اشاره، باید عدالت نمود بیابد و جلوه‌گر شود. این کار به‌ظاهر خرد، در بنای بلند عدالت اجتماعی، نقش بنیادی دارد.

در حکومت حضرت، نمونه‌های اجرای عدالت اجتماعی بسیار است؛^۱ حضرت از کارگزاران می‌خواست تا عدالت و انصاف را درباره خود، نزدیکان و دوستان به اجرا بگذارند؛ در غیر این صورت، ستم‌پیشه‌اند و اگر هم از بازخواست و کیفر در دنیا بگریزند، از کیفر و ستم در آخرت، رهایی نخواهند یافت.

۳. سلوک سیاسی کارگزاران

سیره سیاسی امیرمؤمنان علیه السلام، ترسیم چهارچوب کلی سیاست‌های حکومت اسلامی بود تا کارگزاران در اداره امور از آن منحرف نشوند. حضرت علیه السلام از هر فرصتی در نامه‌های خود به طور مستمر، به‌خصوص در نامه‌های حکومتی، سیاست کلان حکومت خویش را تبیین می‌نمود و عموم مردم و کارگزاران را از آن آگاه می‌ساخت. در این بخش، برخی از سیاست‌های کلی امام علیه السلام را که در نامه‌های ارسالی به کارگزاران در سراسر مملکت اسلامی منعکس شده، بررسی می‌کنیم.



کارگزاران و

نقشه

عمال امام علی علیه السلام در مناطق مختلف حکومت اسلامی (۱۰)

^۱ جهت آگاهی بیشتر در زمینه عدالت‌محوری امام علی علیه السلام، رک: امام علی علیه السلام صدای عدالت انسانی، نوشته جورج جرداق، ترجمه هادی خسروشاهی، انتشارات بوستان کتاب.

۳-۱. مسئولیت‌پذیری

امام علی علیه السلام، حدّ و مرز مسئولیت‌پذیری را بسیار گسترده تعیین کرده و از کارگزاران خود خواسته است که درباره تمام کارها و اقدامات و نیز روابط و مناسبات خویش، مسئولیت‌پذیر باشند. حضرت علیه السلام معتقد است که هر کس در هر مرتبه‌ای که باشد، در مقابل تمام امور و کارهای خود، مسئول و پاسخگوست. هیچ کارگزاری نمی‌تواند هرگونه که خواست، با مردم رفتار کند و خود را نیز پاسخگو نداند. بنابراین، کسی حق کمترین اهانت و بی‌احترامی به مردم را ندارد. افراد، حتی در برابر نوع نگاه و بیان و رفتار خویشان نیز مسئول هستند. امام علی علیه السلام در نامه به «أسودبن قطبه»، فرمانده لشکر حلوان، مسئولیت‌پذیری را این‌گونه یادآور شده است:

«از جمله حقی که بر توست، آن است که نفس خویش را نگهبان باشی و به اندازه توان در امور رعیت تلاش کنی؛ زیرا آنچه در این راه نصیب تو می‌شود، برتر از آن است که از نیروی بدنی خود از دست می‌دهی» (همان: ۵۹۹، نامه ۵۹).

امیرمؤمنان علیه السلام لحظه‌ای خود را آسوده و بی‌مسئولیت نمی‌دانست. احساس مسئولیت حضرت در اداره امور، تنها در حد ابراز احساسات و عواطف نبود؛ بلکه بی‌درنگ اقدام می‌کرد و جلوی ظلم و ستم را می‌گرفت و به جبران مافات می‌پرداخت. گاهی از عملکرد نادرست کارگزاری، جانش به درد می‌آمد و اشک از دیدگانش روان می‌شد.

۳-۲. نظارت بر اعمال کارگزاران

امام علی علیه السلام نظارت ویژه و گسترده‌ای بر کارگزاران خود داشت و در صورت مشاهده خلاف، آنان را مؤاخذه، عتاب یا از کار برکنار و مجازات می‌نمود؛ به طوری که در نامه‌ای شدیدالحن، «عثمان بن حنیف» را به جهت شرکت در عروسی ثروتمندان که غذاهای رنگارنگی برایش آورده بودند، این‌گونه توبیخ نمود:

«گمان نمی‌کردم مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندانشان با ستم محروم شده، و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت شده‌اند. اندیشه کن در کجایی و بر سر کدام سفره می‌خوری. پس، آن غذایی که حلال و حرام بودنش را نمی‌دانی، دور بیفکن و آنچه را به پاکیزگی و حلال بودنش یقین داری، مصرف کن» (همان: ۵۵۵، نامه ۴۵).

حضرت علیه السلام کارگزارانی را که در بیت‌المال خیانت می‌کردند، عزل و تنبیه می‌کرد؛ چنان‌که

«منذرین جارود عبدی»، فرماندار اصطخر^۱ را عزل و زندانی کرد.

امام علیه السلام در نامه‌ای به «یزیدبن قیس ارحبی» در مورد اموال بیت‌المال می‌نویسد:

«تو در ارسال اموال مالیاتی کوتاهی کرده‌ای. سبب این کار، بر من پوشیده است. چاره‌ای نیست، جز اینکه تو را به تقوای الهی سفارش کنم و از اینکه با خیانت به مسلمانان، پاداشت را تباه سازی و جهاد خویش را بر باد دهی، تو را پرهیز می‌دهم» (یعقوبی، [بی‌تا]، ج ۲: ۲۰۰).

این موضع امام علیه السلام، اخطار جدی به «یزیدبن قیس» است که مبادا در پرداخت خراج خیانت نماید و حضرت او را به تقوای الهی و برگزیدن آخرت بر دنیا دعوت می‌کند. البته این نامه، دلیل بر خیانت یزید نیست؛ بلکه اخطاری است که حضرت خواسته جلو خیانت احتمالی او را بگیرد؛ چرا که او در فرستادن مالیات و خراج، تأخیر داشته است و وسوسه نفسانی ممکن است باعث این تأخیر شده باشد که حضرت او را موعظه و نصیحت نموده و از این کار زشت باز داشته است.

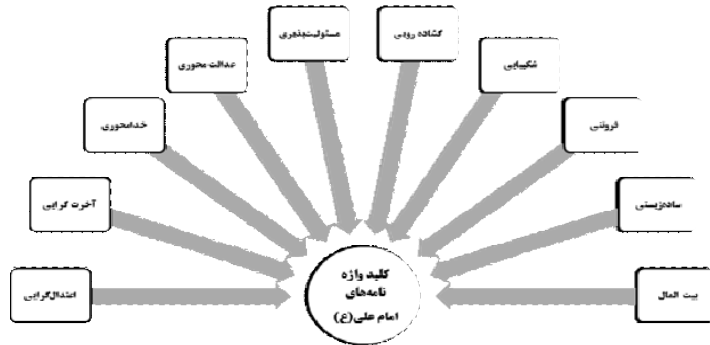
۳-۳. پیگیری امور اداری و حکومتی

تحقق کامل اهداف حکومتی، به تلاش و پیگیری جدی نیاز دارد تا به نتیجه مطلوب برسد. امام علی علیه السلام در دستورعمل‌های حکومتی خود، کارگزاران را به پیگیری امور سفارش کرده و از آنان خواسته است که در خدمت‌گزاری مردمان پیگیرانه عمل کنند. آن حضرت در دستورعملی چنین فرموده است:

«کسی را از درخواستش به خشم نیاورید و حاجت کسی را روا ناکرده نگذارید و کسی را از آنچه مطلوب اوست، باز ندارید» (همان: ۵۶۶، نامه ۵۱).

نظام مدیریتی، نباید به گونه‌ای باشد که مردم سردرگم، معطل و سرگردان شوند. حبس کردن امور و متوقف ساختن کارها، از بزرگ‌ترین آفات نظام حکومتی و اداری است که جز با روحیه پیگیری جدی رفع نمی‌شود؛ حقیقتی که حضرت در نامه‌ها و خطبه‌هایش به آن اشاره می‌کند.

^۱. یاقوت حموی (م. ۶۲۶ق) می‌نویسد: «اولین کسی که بنای شهر اصطخر را نهاد، «اصطخر بن طهمورت پیشدادی» بود. فتح اصطخر، در عهد خلیفه دوم و در سال ۱۶ هجرت توسط «عثمان ابی‌العاص» و «ابوموسی اشعری» صورت گرفت (شیرازی، ۱۳۵۰: ۲۴).



نمودار (۲): کلیدواژه‌های نامه‌های امام علی (ع)

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، در پرتو فرمان‌ها و دستورعمل‌های امیرمؤمنان (ع) در نامه‌هایش به کارگزاران دریافتیم که: توصیه‌های امام علی (ع) در عرصه‌های گوناگون مدیریت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و موفقیت‌های آن، الگوی مناسبی برای همه، به‌ویژه برای شیعیان و پیروان آن حضرت (ع) است. امام (ع) در محور «فرهنگی» جهت اصلاح جامعه و سبک زندگی و نهادینه کردن فرهنگ اسلامی، از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. از نظر «اجتماعی» با ارائه راهبردها و ملاک‌ها برای زندگی اجتماعی بر محورهای عدالت، امانت‌داری، تعاون، صداقت و وفای به عهد، تأکید بسیاری نمود. در بعد مدیریت «سیاسی»، با نظارت ویژه و وسیعی که بر کارگزاران خود داشت، در صورت مشاهده خلاف، آنان را مؤاخذه، عتاب یا از کار برکنار و مجازات می‌نمود.

با توجه به رفتار امام علی (ع) با کارگزاران و فرماندهان، درمی‌یابیم که شیوه برخورد امام (ع) در مرحله اول، در قالب تذکر و هشدار بوده است و در صورت تخلف و تکرار آن، به مرحله تهدید و بیان عاقبت سخت تخلف کردن می‌رسید و در گام سوم، اگر تذکر و هشدار جواب نمی‌داد، کارگزار و فرمانده متخلف را مورد بازخواست قرار می‌داد و یا عزل می‌نمود و در مرحله نهمی، با فرد خطاکار، به‌شدت و قاطعانه برخورد کرده و مجازات می‌نمود. امام علی (ع) در عین رعایت اخلاق و رفتار توأم با رأفت و عطوفت به کارگزاران حکومتی، با گشاده‌رویی مدارا و رعایت عدالت، طی نامه‌های فراوان، به آنها آموزش حکومت‌داری و فرمانداری و فرماندهی سیاسی و نظامی می‌داد و در جایی که خلاف قانون عمل می‌شد، قاطعانه برخورد می‌نمود.

بررسی و تحلیل نامه‌های امیرمؤمنان (ع) در شرایط کنونی، می‌تواند بیانگر اندیشه ژرف آن حضرت (ع) در ابعاد گوناگون فرهنگی، اجتماعی و سیاسی باشد. البته تأکید این نکته بجاست که دستورعمل‌های حکیمانه امام (ع) پیش از آنکه در زاویه تنگ مادیات تفسیر شود، حکایت از بینش الهی او به انسان دارد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- ابن ابی الحدید (۱۴۱۵ق)، شرح نهج البلاغه، بیروت: مؤسسة الاعملى.
- ابن اثیر جزرى (۱۴۰۸ق)، الكامل فى التاريخ، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن عبد ربّه (بى تا)، العقد الفريد، محقق محمد قمیحه، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- حر عاملی، محمدبن حسن (بى تا)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- حموی، یاقوت (۱۴۱۷ق)، معجم البلدان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- دانشنامه جهان اسلام، مقاله «بنی تمیم»، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، شماره ۳۸۹۲.
- دشتی، محمد (۱۳۷۸ش)، ترجمه نهج البلاغه، قم: مؤسسه فرهنگى تحقیقاتى امیرالمؤمنین علیه السلام.
- شیرازى، ابوالعباس احمد زرکوب (۱۳۵۰)، شیرازنامه، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مقریزي، احمدبن علی (بى تا)، الخطط، لندن: الفرقان.
- یعقوبی، احمدبن واضح (بى تا)، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.
- جرداق، جورج، امام علی علیه السلام صدای عدالت انسانی، ترجمه هادی خسروشاهی، قم: بوستان کتاب.
- جعفریان، رسول، (بى تا)، اطلس تاریخ شیعه، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- موسوی، محسن باقر، (۱۳۸۱)، مدیریت و نظام اداری از دیدگاه امام علی علیه السلام، مترجم سیدحسین سیدی، مشهد: به نشر.
- اشرف سمنانی، غلامرضا، (۱۳۹۳)، تحلیلی از مدیریت اسلامی در پنج سال رهبری امام علی علیه السلام، قم: بعثت.
- ثواقب، جهانبخش، (۱۳۸۰)، امام علی علیه السلام کارگزاران حکومت و راهکارهای اصلاحات، فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، شماره ۲۲.
- معارف، مجید، کهن ترابی، میثم، (۱۳۹۴)، نقش اصلاح ساختارهای مدیریت در عملکرد مطلوب کارگزاران از منظر نهج البلاغه، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های نهج البلاغه در شماره ۴۷.